

ای وای که دنیا چه زیباست!

درخت زندگی / ترنس مالیک / ۲۰۱۱

چاپ شده در : مجله ۲۴

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۰

حتماً به خاطر دارید و هنوز در دست بچه های فامیل می بینید که در کتاب های دینی یا علوم بسیاری از سال های دوران دبستان و راهنمایی، درس اول و دوم به شرح مکانیسم دستگاه گوارش یا توصیف نظم در گوشه ای از طبیعت مانند حیات یک درخت اختصاص داشت و دارد تا ما را در آن سنین به ایمان و اطمینان درخصوص خلقت جهان به دست خداوند و سنجیدگی مو به موی آن برساند. این دقیقاً همان کاری است که ترنس مالیک با سال ها اتلاف وقت روی جزئیات ظاهری مرعوب کننده و فریبنده، در «درخت زندگی» انجام می دهد؛ آن هم بعد از این همه سال که سینما شیوه ها و ساختارهای بسیار گوناگونی را برای انتقال مفاهیم فلسفی تجربه کرده است. انگار همین که دوربین/استیدی کم در کنار یا پشت سر جک اوبراین بزرگسال (شون پن) یا مادرش (جسیکا چستین) پرسه بزند و چیزی شبیه به یک compilation از آواهای کلیسایی و سوپرانو و سمفونی ۴ برامس باند موزیک فیلم را شکل بدهد، ما باید معنویت را در جان و روح خویش حس کنیم و قدم زدن در بیابان و رسیدن به برزخ یا نهج گفتن از زیبایی پرواز هماهنگ صداها پرنده یا مکث چند ده باره روی اجزای تنه و برگ های درخت و شکوه مزرعه آفتابگردان را برای ستایش نظم هستی و کائنات، تمهید بسیار مؤثر و لابد بکری بدانیم؛ که خود می تواند ناشی از مستند ندیدن و کم دیدن توسط فیلمساز باشد! شگردهای روایی معدود فیلم برای به هم چسباندن زورکی این همه تصویر کلیپ وار و مکرر هم به طرز عجیبی دور از هر نوع طراوت و تازگی است: از حضور جک امروز در تصاویر گذشته که از توت فرنگی های وحشی برگمان تا کمال الملک حاتمی بارها دیده شده تا موقعیت مثلاً تقدیری خاص «از دست دادن فرزند» که چه در رویکرد عاطفی با بیست و یک گرم و چه در رویکرد فلسفی/روانشناختی با ضدمسیح به غایت خود رسیده و دیگر خاص به حساب نمی آید. تصویر مثالی مادر که با تمام زیبایی اش قرار است زنانگی و شکوفایی و زایش و هستی را نمایندگی کند هم با کیفیتی رمزآمیزتر از این بازی های صوری بی کارکرد، در جهان و تصاویر تارکوفسکی فقید بارها خلق شده و مجموع اینهاست که باعث می

شود حین دیدن آن مکث بیهوده نیم ساعته درخت زندگی بر روی مراحل خلقت و دایناسورهای عارف مسلک اولیه (!) بارها از خودم پرسم یعنی آنهایی که از کن تا تهران فیلمی موسوم به درخت زندگی را ستودند و مبهوتش شدند، واقعاً همین تصاویر بی ربط و صرفاً چشم نواز و همین داستان مکرر بحران سنین بلوغ را که من دیده ام، دیده بودند؟ یا نسخه اشتباهی به دست من رسیده و آن فیلم حیرت انگیز، تحفه دیگری است؟!

